

این کتب تمام این آثار  
 ما شایسته بود که این  
 عین کتب را در دست  
 ما قرار دهد و در این  
 کتابها که در این  
 کتابها که در این  
 کتابها که در این

منی رنگین حاکم فاعده است	منی رنگین حاکم فاعده است
س که ز سر شاه روی را دم	س که ز سر شاه روی را دم
عقد خایل که سبب طرده او	عقد خایل که سبب طرده او
دل که گویا مایه زان حال است	دل که گویا مایه زان حال است
ابردی او که در سوخته است	ابردی او که در سوخته است
ماشط کارا سببش عماره او	ماشط کارا سببش عماره او
روز و شب او آرزوی کوی و دم	روز و شب او آرزوی کوی و دم
شب که در دل سوزیده است	شب که در دل سوزیده است
از درخت دانه های خویش	از درخت دانه های خویش
بازگرم پای ز دانه های خویش	بازگرم پای ز دانه های خویش
چاره سبب از تن جان که کشم	چاره سبب از تن جان که کشم
بگردد ز جان سینه جرم و دم	بگردد ز جان سینه جرم و دم
باوه ز جام جرم و دم	باوه ز جام جرم و دم
ساقی حاصل دلم سبب	ساقی حاصل دلم سبب
ساقی دلم سبب	ساقی دلم سبب

این کتب تمام این آثار  
 ما شایسته بود که این  
 عین کتب را در دست  
 ما قرار دهد و در این  
 کتابها که در این  
 کتابها که در این  
 کتابها که در این

این کتب تمام این آثار  
 ما شایسته بود که این  
 عین کتب را در دست  
 ما قرار دهد و در این  
 کتابها که در این  
 کتابها که در این  
 کتابها که در این

کمر این کان می که گشت	کمر این کان می که گشت
کوهر دل از اول کان می	کوهر دل از اول کان می
سر که بخت کرد خاد و بخت	سر که بخت کرد خاد و بخت
گشته از نو بدست دل حق	گشته از نو بدست دل حق
پنجه چو دست دودن چو مشت	پنجه چو دست دودن چو مشت
خون که ناله کشاید سیم	خون که ناله کشاید سیم
نغمه که گشت بگر با شمشیر	نغمه که گشت بگر با شمشیر
نغمه همان گشته دمی ز سبب	نغمه همان گشته دمی ز سبب
قایم کباب چو پهای پهن	قایم کباب چو پهای پهن
نی رقم تک تک بگفت برو	نی رقم تک تک بگفت برو
یا زان دست و وقت کمال	یا زان دست و وقت کمال
شاید پرده در عین نماز	شاید پرده در عین نماز
بر حش از غایب گشتی	بر حش از غایب گشتی
خال که از قاعده میرونند	خال که از قاعده میرونند
خال جانش برت ای گشته	خال جانش برت ای گشته

این کتب تمام این آثار  
 ما شایسته بود که این  
 عین کتب را در دست  
 ما قرار دهد و در این  
 کتابها که در این  
 کتابها که در این  
 کتابها که در این